



انديشكده فولاد
و صنايع معدني ايران

پنج سناریوی اقتصادی فشار حداکثری تراپ علیه اقتصاد ایران

از تداوم بازی موش و گربه در شبکه تحریم‌ها تا ایده محاصره





پنج سناریوی اقتصادی فشار حداکثری ترامپ علیه اقتصاد ایران

از تداوم بازی موش و گربه در شبکه تحریم‌ها تا ایده محاصره



اندیشکده فولاد و صنایع معدنی ایران: دولت دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، پس از حمله هوایی، بار دیگر تشدید فشار اقتصادی علیه ایران را در دستور کار قرار داد؛ رویکردی که صرفاً به افزایش تعداد تحریم‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به تدریج در حال حرکت به سمت هدف‌گیری زنجیره‌های درآمدی، شبکه‌های مالی، مسیرهای صادرات نفت و حتی شرکای تجاری ایران است.

در این چارچوب، واشنگتن علاوه بر تحریم مستقیم اشخاص، شرکت‌ها، کشتی‌ها و هواپیماها، گزینه‌های پیچیده‌تری را نیز در اختیار دارد. نقطه کانونی این سیاست، کاهش توان ایران برای تبدیل درآمدهای نفتی به منابع مالی قابل استفاده و افزایش هزینه مبادلات خارجی است. با این حال، هرچه دامنه فشار گسترده‌تر شود، هزینه‌های ژئوپلیتیکی آن برای آمریکا نیز افزایش خواهد یافت؛ به‌ویژه در تعامل با چین، ترکیه و سایر بازیگران منطقه‌ای.

نفت چین؛ مهم‌ترین گلوگاه فشار اقتصادی

اولین و یکی از مؤثرترین ابزارهای در دسترس واشنگتن، هدف قرار دادن پالایشگاه‌های مستقل چین یا همان *Teapot Refineries* است. اهمیت این پالایشگاه‌ها از آنجا ناشی می‌شود که بخش قابل‌توجهی از نفت ایران در سال‌های اخیر راه خود را به بازار چین باز کرده و پالایشگاه‌های مستقل، به دلیل ارتباط محدودتر با نظام مالی و شرکت‌های غربی، انعطاف بیشتری برای پذیرش ریسک تحریم داشته‌اند. از منظر آمریکا، تحریم این مجموعه‌ها می‌تواند مستقیماً به یکی از مهم‌ترین کانال‌های درآمد ارزی ایران فشار وارد کند. با این حال، ساختار بازار نفت چین نشان می‌دهد که حذف کامل این مسیر ساده نخواهد بود. پالایشگاه‌های کوچک‌تر معمولاً وابستگی کمتری به نظام مالی آمریکا دارند و می‌توانند از شبکه‌های واسطه‌ای، شرکت‌های پوششی و مسیرهای غیرمستقیم برای ادامه تجارت استفاده کنند. بنابراین، مسئله اصلی نه صرفاً تحریم یک پالایشگاه، بلکه تلاش برای افزایش هزینه و ریسک کل زنجیره خرید، انتقال، بیمه و تسویه نفت ایران است.

بانک‌های چینی؛ نقطه حساس تقابل واشنگتن و پکن

دومین و شاید حساس‌ترین ابزار، گسترش تحریم‌ها به شبکه بانکی چین است. آمریکا تاکنون برخی مؤسسات مالی کوچک‌تر چینی و هنگ‌کنگ را هدف قرار داده و هم‌زمان نسبت به احتمال استفاده از تحریم‌های ثانویه علیه بانک‌های بزرگ‌تر هشدار داده است. اهمیت این موضوع در ماهیت متفاوت آن با تحریم شرکت‌های تجاری نهفته است. تحریم یک بانک بزرگ چینی می‌تواند پیامد آنی و گسترده‌ای برای سایر مؤسسات مالی داشته باشد و آنها را به کاهش یا توقف همکاری با طرف‌های مرتبط با ایران وادار کند. در چنین شرایطی، حتی بانک‌هایی که مستقیماً هدف تحریم قرار نگرفته‌اند، ممکن است برای کاهش ریسک خود، از تعامل با مشتریان و شبکه‌های مرتبط با ایران فاصله بگیرند.

اما این ابزار یک شمشیر دولبه برای واشنگتن است. هدف قرار دادن بانک‌های بزرگ چینی می‌تواند تنش اقتصادی میان آمریکا و چین را تشدید کند؛ آن هم در شرایطی که پکن خود یکی از مهم‌ترین خریداران نفت ایران و بازیگری کلیدی در زنجیره تأمین مواد معدنی حیاتی جهان است. به همین دلیل، استفاده از تحریم‌های بانکی علیه چین احتمالاً نیازمند محاسبه دقیق میان افزایش فشار بر ایران و جلوگیری از تشدید تقابل راهبردی با پکن خواهد بود.



تداوم بازی موش و گربه در شبکه تحریم‌ها

سناریوی سوم، ادامه همان الگوی سنتی تحریم‌هاست: شناسایی و مسدود کردن شرکت‌ها، افراد، کشتی‌ها و شبکه‌هایی که به ایران در دور زدن محدودیت‌ها کمک می‌کنند.

این رویکرد در کوتاه‌مدت می‌تواند هزینه تجارت خارجی ایران را افزایش دهد، اما این ابزار، یک ضعف ساختاری دارد. شبکه‌های تحریمی معمولاً قابلیت بازسازی دارند؛ شرکت‌های جدید جایگزین شرکت‌های تحریم‌شده می‌شوند، مالکیت‌ها تغییر می‌کند و مسیرهای انتقال پول و کالا از کانال‌های دیگری عبور می‌کنند.

از این منظر، تحریم‌های نقطه‌ای بیشتر از آنکه بتوانند اقتصاد ایران را متوقف کنند، هزینه مبادلات و اصطکاک اقتصادی را افزایش می‌دهند. بنابراین، موفقیت سیاست آمریکا به توانایی آن در ایجاد اختلال پایدار در کل شبکه وابسته است، نه صرفاً حذف بازیگران منفرد.

محاصره زمینی؛ سناریوی پرهزینه و دشوار

سناریوی چهارم و در سطحی بسیار سخت‌گیرانه‌تر و پرهزینه‌تر، ایجاد نوعی محاصره دریایی و زمینی ایران است. تحقق چنین سناریویی مستلزم همکاری طیف وسیعی از کشورهای همسایه ایران از جمله کشورهای عربی و تثبیت موقعیت در خلیج فارس و همچنین در حوزه محاصره دریایی نیازمند هماهنگی با عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان است.

مشکل اصلی این سناریو، تفاوت منافع این کشورها با واشنگتن است. حتی اگر آمریکا بتواند بر برخی دولت‌ها اهرم‌های اقتصادی یا امنیتی اعمال کند، اجرای یک محاصره جامع نیازمند هماهنگی مستمر در مرزهای متعدد و کنترل مسیرهای رسمی و غیررسمی تجارت است؛ امری که از نظر عملیاتی و اجرا، بسیار پیچیده خواهد بود.

علاوه بر این، چنین سیاستی می‌تواند پیامدهای انسانی و اجتماعی قابل توجهی داشته باشد و دسترسی ایران به غذا، انرژی، مواد اولیه و کالاهای مصرفی را مختل کند. همین مسئله، هزینه سیاسی و بین‌المللی این گزینه را برای آمریکا افزایش می‌دهد.

در واقع، محاصره زمینی و دریایی بیش از آنکه یک ابزار معمول تحریمی باشد، سناریویی با پیامدهای ژئوپلیتیکی بسیار سنگین است و اجرای آن با موانع جدی مواجه خواهد بود.

تعرفه‌های ثانویه؛ تلاش برای گسترش تحریم‌ها به شرکای ایران

سناریوی پنجم، تعرفه‌های ثانویه یا اعمال تعرفه یا مجازات اقتصادی علیه کشورهایی است که با ایران تجارت می‌کنند. هدف این سیاست، انتقال فشار از ایران به شرکای تجاری آن و وادار کردن کشورهای ثالث به انتخاب میان ادامه همکاری با تهران یا حفظ دسترسی به بازار آمریکا است.

این رویکرد در صورت برخورداری از پشتوانه حقوقی و اجرایی می‌تواند دامنه تحریم‌ها را به شکل چشمگیری افزایش دهد؛ زیرا ایران را نه فقط در برابر تحریم مستقیم آمریکا، بلکه در برابر فشار بر شرکای تجاری خود قرار می‌دهد.

با این حال، استفاده گسترده از چنین ابزاری می‌تواند هزینه‌های متقابلی برای آمریکا ایجاد کند. هرچه کشورهای بیشتری هدف تهدید تعرفه‌ای قرار گیرند، احتمال شکل‌گیری مقاومت سیاسی و اقتصادی در برابر سیاست واشنگتن نیز افزایش خواهد یافت.

جمع‌بندی؛ فشار بیشتر، اما نه لزوماً فروپاشی اقتصادی

راهبرد دولت ترامپ در قبال ایران در حال حرکت از تحریم بازیگران منفرد به سمت هدف‌گیری شبکه اقتصادی ایران است. در کنار تهدید نظامی، نفت، پالایشگاه‌های چینی، بانک‌ها، شرکت‌های واسطه، مسیرهای تجاری و کشورهای ثالث، حلقه‌های اصلی این زنجیره فشار حداکثری را تشکیل می‌دهند.

با این حال، تجربه تحریم‌های سال‌های گذشته نشان داده است که اقتصاد ایران و شبکه تجارت خارجی آن ظرفیت قابل توجهی برای سازگاری با فشارهای خارجی دارد. از سوی دیگر، افزایش فشار بر چین یا کشورهای منطقه می‌تواند هزینه ژئوپلیتیکی سیاست آمریکا را افزایش دهد و حتی به شکل‌گیری مسیرهای جدید برای دور زدن تحریم‌ها منجر شود.

بنابراین، سناریوی محتمل‌تر را باید نه در قالب «تحریم یا عدم تحریم»، بلکه در قالب رقابت میان دوروند متضاد دید: واشنگتن تلاش می‌کند هزینه تجارت با ایران را به صورت مستمر افزایش دهد و تهران نیز می‌کوشد با تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی، شبکه‌های مالی و شرکای تجاری، اثر این فشار را خنثی کند. در نهایت، موفقیت سیاست فشار حداکثری نه به تعداد تحریم‌های اعمال‌شده، بلکه به این بستگی خواهد داشت که آمریکا تا چه اندازه بتواند زنجیره درآمدی و مالی ایران را بدون تبدیل کردن فشار علیه تهران به یک بحران جدید در روابط خود با چین و سایر قدرت‌های منطقه‌ای، محدود کند.

چهارمین سمینار تحلیلی اندیشکده فولاد و صنایع معدنی ایران، با موضوع **پایداری تولید و «با محوریت چالش انرژی» در صنعت فولاد**، ۴ مردادماه ۱۴۰۵ در تهران برگزار شد. در این رویداد نخبگانی، معاونان وزارتخانه‌های صمت و نیرو، نمایندگان کمیسیون‌های انرژی و صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، مدیران شرکت‌ها و هلدینگ‌های فولادی و معدنی و نمایندگان تشکل‌های زنجیره آهن و فولاد حضور داشتند و مباحث خود را در دو بخش پایداری تولید و تاب آوری صنعت ارائه کردند. اندیشکده فولاد و صنایع معدنی ایران در «فراتحلیل» خود که بر مبنای فایل‌های ارائه، نکات سخنرانان و گفت‌وگو با صاحب‌نظران و مشارکت‌کنندگان در چهارمین سمینار تحلیلی حاصل شده است، به تبیین وضعیت موجود و ارائه راهکار پرداخته است.



اندیشکده فولاد
و صنایع معدنی ایران

www.steelt.ir

۰۹۹۶ ۶۳ ۶۳ ۰ ۲۳ | ۰۲۱ - ۶۶ ۸۴ ۲۱ ۰۰